

کاربست نظریه شکار-جادوگر برای تبیین جامعه‌شناختی تصفیه‌های انقلابی (روسیه، چین و ایران)

حسین احمدی*

محمدسالار کسرائی**

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

تصفیه یکی از ویژگی‌های آشکار برخی انقلاب‌ها بوده است. هدف این مقاله، تبیین این پدیده از دریچه نظریه شکار جادوگر و مقایسه ویژگی‌های آن در رخدادهای مربوط به تصفیه انقلابی در سه کشور روسیه، چین، و ایران است. روش به‌کاررفته در این پژوهش، مقایسه‌ای بوده و ویژگی‌های تصفیه‌های بزرگ سه کشور روسیه (تصفیه بزرگ استالین)، چین (تصفیه انقلاب فرهنگی مائو)، و ایران (تصفیه اوایل دهه ۱۳۶۰) را به‌شکل تاریخی و به شیوه

* (نویسنده مسئول) استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، (hahmadi6@gmail.com)

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی نظری-فرهنگی، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، (Mohammadsalarkasraei@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۴۳-۷

بازنمایی موازی نظریه^۱، مقایسه تاریخی کرده است. داده‌ها از منابع دست‌اول و دوم گردآوری و تحلیل‌ها به شیوه مقایسه-تاریخی ارائه شده‌اند. یافته‌های این مقاله، ضمن تأیید کلی مفروضات نظریه شکار-جادوگر در مورد سه رخداد تصفیه، نشان می‌دهد که تصفیه‌های روسیه، چین، و ایران از بعضی جنبه‌ها مشابه و از بعضی جنبه‌ها، متفاوت هستند. برپایه یافته‌ها، هر سه رخداد در شرایطی بروز کرده‌اند که نمایندگی جمعی و منبع مشروعیت، محدود بوده و نظام ارزشی زیربنای مشروعیت نظام، در شرایط بحران بوده است. رهبران برای استقرار نظم یا نوسازی آن از طریق نوسازی نظام اخلاقی، انحراف سیاسی را به‌گونه‌ای تعریف کرده‌اند که رقبا را دربر گیرد. افزون‌براین، تضعیف نهادهای مدنی میانجی و تغییر اولویت‌ها باعث شده است که افراد، دست از حمایت یکدیگر بردارند که سرانجام، به شکار جادوگر انجامیده است. بین ایران و دو کشور دیگر، برخی تفاوت‌های ماهوی وجود داشته است که پاکسازی انقلاب ایران را به‌شکل روندی همراه با انقلاب، دین‌محور، مشروع، و دموکراتیک شکل داده است.

واژگان کلیدی: شکار جادوگر، تصفیه انقلابی، انقلاب فرهنگی، روسیه، چین، ایران

مقدمه

پدیده تصفیه، یکی از ویژگی‌های مهم برخی انقلاب‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید. در روند رخداد این پدیده، گروهی که قدرت را به‌دست می‌گیرند یا در دست دارند، معمولاً بقایای رژیم پیشین، مخالفان انقلابی، رقبا، و نمایندگان دولت‌های خارجی مخالف با ایدئولوژی انقلاب را که به آن‌ها بدگمان هستند، به شکل‌های گوناگون از صحنه حذف می‌کنند. به‌نظر اوپلینگر^۱ (۱۹۹۰) تصفیه‌های توده‌ای، رخدادهایی هستند که نظام کنترل اجتماعی دولت، از طریق نخبگان قدرتمند، برای شناسایی و تنبیه رفتار انحرافی در حجم انبوه به‌کار می‌گیرد (موی^۲، ۱۹۹۹: ۵۰۴). این حرکت، از سخت‌گیرانه‌ترین حالت‌های اخراج و اعدام تا حالت متوسط مبتنی بر شواهد مثبت سرکوب و تا حالت کمتر سخت‌گیرانه انفصال از خدمت (از جمله بازنشسته کردن یا تغییر پست کارکنان) را دربر می‌گیرد (ساجیو^۳، ۲۰۱۹: ۱۱). به‌لحاظ مفهومی، تصفیه عبارت است از حذف اغلب خشونت‌آمیز افراد از یک سازمان، به‌این‌سبب که عقاید یا فعالیت‌های آن‌ها برای صاحبان قدرت پذیرفتنی نیست (هورنبی و دیگران^۴، ۲۰۲۰: ذیل کلمه تصفیه).

به‌لحاظ مصداقی، زمانی که از تصفیه سخن به‌میان می‌آید، این پدیده شکل‌های گوناگونی پیدا می‌کند، لیکن به‌طور مشخص در مورد انقلاب‌ها، این پدیده ناشی از یک نوع تقابل است؛ بین مردمی که خلوص انقلابی، وفاداری به رهبری،

-
1. Oplinger
 2. Mui
 3. Saijo
 4. Hornby

از خودگذشتگی، و فدایی بودن، نمونه‌هایی از ارزش‌های مهم در بین آن‌ها هستند علیه مردمی که آن‌ها را می‌توان نماینده ضدارزش‌هایی مانند ضدانقلابی بودن، مخالفت با رهبری، فرصت‌طلبی، وادادگی، و... دانست. این تقابل ممکن است موقعیتی را خلق کند تا مردمی را که در مقابل جدی‌ترین تغییرات هم تساهل دارند، به جماعتی تبدیل کند که اموری مانند عضویت در فلان گروه، خواندن روزنامه‌ای خاص، نزدن یا زدن عکس فرد مشخصی بر روی دیوار منزل یا محل کار، گوش کردن به موسیقی، نحوه آرایش سروصورت، پوشیدن لباس، رفتن یا نرفتن به اجتماع مشخص، نوشتن مطلبی خاص، ارتباط با افراد مشخص، احترام گذاشتن به شکل مشخص، عدم واکنش به موقع در مقابل یک رخداد ناچیز، خروج یا عدم خروج از منزل در اوقات معین، امضای پای یک بیانیه، شیوه حرف زدن، خندیدن به یک مطلب طنز، و... را به‌عنوان گناهی نابخشودنی یا حرکتی علیه ملت و کیان ملی به‌شمار آورده و درصدد مجازات فرد برآیند (به‌عنوان نمونه: دنگ^۱، ۲۰۱۸: ۸۸؛ موی، ۱۹۹۹؛ لسه^۲، ۲۰۱۱: ۲۰۷-۲۰۶؛ سولیوان^۳، ۲۰۱۱؛ کولایی، ۱۳۷۲: ۵۹-۵۵).

به‌رغم اینکه پدیده تصفیه در شرایط تاریخی و نهادی بسیار متفاوتی رخ داده است، پژوهشگران زیادی بر این نظرند که شباهت‌های مهمی بین آن‌ها وجود دارد (موی، ۱۹۹۹: ۵۰۴؛ اوپلینگر، ۱۹۹۰؛ لواک^۴، ۲۰۰۶: ۲۹۹-۲۹۲)، باوجوداین، تلاش‌های محدودی برای شناخت ابعاد مشترک این رخدادها و ایجاد یک چارچوب تحلیل و تعیین سازوکارهای وقوع این پدیده انجام شده است (موی، ۱۹۹۹: ۵۰۴). اگر بخواهیم توجه خود را بر تصفیه‌های انقلابی متمرکز کنیم، به‌ظاهر این مطالعات، محدودتر هم می‌شوند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل محدود بودن این نوع پژوهش‌ها، مشکل دسترسی به داده‌های مناسب باشد که در مطالعات تطبیقی-تاریخی کلان-بهبه‌ویژه اگر حساسیت نظام‌های سیاسی را به‌همراه داشته باشد- صادق است (آرنت، ۱۳۶۶: ۸).

1. Deng
2. Leese
3. Sullivan
4. Levack

بررسی پیشینه موضوع توسط نگارندگان نشان می‌دهد که مطالعه تصفیه‌های انقلابی تنها در مورد انقلاب فرهنگی چین انجام شده است (موی، ۱۹۹۹؛ برگسن^۱، ۱۹۶۶؛ دنگ، ۲۰۱۸). این پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند، تصفیه انقلابی را با پدیده‌های دیگری مانند «مک‌کارتیسم»، «جادوگرکشی» پس از قرون وسطی، «شکار-جادوگر سرخ» در هالیوود و هاروارد (ترنر^۲، ۲۰۱۱: ۷۵؛ الکساندر^۳، ۲۰۰۳؛ لویانف و هیدت^۴، ۲۰۱۸: ۹۹)، «محاکمات جادوگر سالم» (دنگ، ۲۰۱۸؛ میکسون^۵، ۲۰۰۰؛ لویانف و هیدت، ۲۰۱۸) و «بعد تاریک خویشاوندی و کشتن جادوگران در آفریقا» (دنگ، ۲۰۱۸)، «لینچ» (کلیبل و مونش^۶، ۲۰۱۷: ۲۱۰)، «تهدید سرخ یا ضدانقلاب» (موی، ۱۹۹۹) مقایسه کرده و برخی شباهت‌های بین این رخدادها را مطالعه کنند.

به دلایل فراوانی، بسیاری از پژوهش‌های معاصر حوزه انقلاب به انقلاب‌های قرن بیستم توجه بیشتری داشته‌اند. این مقاله نیز با تمرکز بر انقلاب‌های بزرگ قرن بیستم تلاش کرده است، رخداد تصفیه را در این انقلاب‌ها بررسی کند. بیشتر انقلاب‌های این قرن، دو سویه ایدئولوژیک را دنبال کرده‌اند؛ سویه نخست، متأثر از نظریه کمونیسم بوده است که شاخص‌ترین نمونه‌های آن را می‌توان در روسیه و چین سراغ گرفت. سویه دیگر، انقلاب‌هایی هستند که عده‌ای آن‌ها را با عنوان «انقلاب‌های جهان‌سومی» می‌شناسند که از بین این انقلاب‌ها (با توجه به دغدغه نگارندگان) انقلاب اسلامی ایران را برگزیده‌ایم.

بنابراین، با توجه به اهمیت آشنایی بیشتر با تصفیه انقلابی و محدود بودن پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، نگارندگان در پی به‌کارگیری نظریه شکار-جادوگر در مورد تصفیه‌های انقلابی و بررسی امکان وقوع پدیده شکار-جادوگر در مواردی مانند تصفیه بزرگ روسیه، انقلاب فرهنگی چین، و اوایل

-
1. Bergesen
 2. Turner
 3. Alexander
 4. Lukianoff and Haidt
 5. Mixon
 6. Kleibl and Munck

دهه ۱۳۶۰ ایران بوده‌اند. این مقاله درصدد است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که «کدام ویژگی‌های این رخدادها با شرایط موردنظر رویکرد شکار-جادوگر همخوانی دارد و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین این سه رخداد تاریخی وجود دارد؟»

۱. رویکردهای نظری به شکار-جادوگر

شکار-جادوگر را می‌توان آزار نظام‌مند گروهی از افراد (واقعی یا خیالی) دانست که استدلال می‌شود، دارای توانایی‌های خطرناک برای جامعه هستند. در اغلب موارد، جادوگران، اعضای از همان جامعه‌ای هستند که آن‌ها را آزار می‌دهد؛ یعنی «دشمنان داخلی» دارند و اغلب، اسطوره‌سازی شدیدی درباره جادوگران و ویژگی‌ها و فعالیت‌های آنان انجام می‌شود. در شکار-جادوگر معمول است که جادوگران به‌حدی خطرناک به‌شمار آیند که اصول مشترک عدالت و قوانین مسلم به‌منظور حفظ سلامت اجتماعی نادیده گرفته می‌شود (فوک^۱، ۱۹۹۹: ۱۴۹؛ الکساندر^۲، ۲۰۰۳: ۱۱۷، دنگ^۳، ۲۰۱۸: ۸۸).

تحلیل جامعه‌شناختی شکار-جادوگر در چارچوب مکتب‌های نظری گوناگونی انجام شده است. در این زمینه، رویکردهای ساختاری-کارکردی، انتخاب عقلانی، و برساختی، جایگاه برجسته‌تری دارند که در ادامه آن‌ها را به‌شکل خلاصه توضیح داده‌ایم.

۱-۱. رویکرد ساختاری-کارکردی

این رویکرد، پدیده شکار جادوگر را شیوه‌ای برای سرکوب منبع تهدید نظم اجتماعی به‌شمار می‌آورد (لواک^۴، ۲۰۰۶). برپایه این نظریه، بین ریخت‌شناسی نظم اجتماعی و ریخت‌شناسی نمایندگی‌های جمعی، هماهنگی وجود دارد (سوانسون^۵، ۱۹۶۴، ۱۹۶۷؛ برگسن^۶، ۱۹۶۹)، و در جامعه‌ای که نمایندگی جمعی تنوع کمتری

1. Fog
2. Alexander
3. Deng
4. Levack
5. Swanson
6. Bergesen

داشته باشد، هرگونه تنوع ارزشی می‌تواند از کارافتادگی ارزش‌های سنتی به‌شمار آید (گودین^۱، ۱۹۸۱). از کار افتادن ارزش‌ها، بحران نظم اخلاقی تلقی شده و این بحران، زمینه‌ساز بحران هویت جمعی محسوب می‌شود. نظام اجتماعی، به این نتیجه می‌رسد که برای حفظ انسجام و هویت جمعی باید نوعی نوگشت نظم اخلاقی رخ دهد. گرایش به سازوکارهای مناسبی، نتیجه منطقی این تمایل به نوگشت است. سازوکارهای جمعی‌ای مانند تصاویر ملت، مردم، و... نوسازی شده و معیارهای سخت‌گیرانه‌ای برای انحراف سیاسی در نظر گرفته می‌شوند که زمینه را برای سرکوب هرگونه انحراف جزئی فراهم کرده و در عمل، کوچک‌ترین انحراف با مجازات از سوی وجدان جمعی همراه می‌شود (برگسون، ۱۹۶۹؛ الکساندر، ۲۰۰۳). این نوع واکنش شدید به امور جزئی، همان شکار-جادوگر است که در این شرایط ممکن است بیشتر حالت سیاسی به خود بگیرد (گودین، ۱۹۸۱). شکار-جادوگر سیاسی در این دیدگاه دارای چهار ویژگی مهم طغیان سریع، جرم بودن علیه اجتماع^۲، ناچیز و ساختگی بودن تغییرات^۳، و سرانجام، ترس از دفاع از متهم است (لوکیانف و هیدت، ۲۰۱۸: ۱۰۲-۱۰۱).

۲-۱. رویکرد انتخاب عقلانی

برپایه «رویکرد انتخاب عقلانی» افرادی چون گیتز، سیاستمدارانی که اقدام به شکار-جادوگر می‌کنند، نسبت به آنچه الگوی ضرورت ساختاری نشان می‌دهد، فضای بیشتری برای انتخاب دارند. الگوی سیاسی ساده‌تر، نشانگر این است که شکار-جادوگر در موارد گوناگونی رخ می‌دهد: زمانی که سیاستمداران پشت نمادهای مقدس پنهان می‌شوند، در واقعیت به‌جای تهدیدکنندگان ارزش‌های مقدس، رقبای سیاسی‌شان را شکار می‌کنند؛ قدرتمندان در آغاز، رتبه مخالفان را برجسته نشان داده و سپس آن‌ها را به‌زیر می‌کشند. این نوع شکار-جادوگر به‌جای ضرورت‌های ساختاری، از انتخاب‌های سیاسی‌ای سرچشمه می‌گیرد که فضایی را

1. Goodin
2. Crimes against the collective
3. Charges are often trivial or fabricated

برای تشویق‌ها و تهمت‌ها نیز فراهم می‌کنند (گودین، ۱۹۸۱: ۲). تقویت قدرت سیاسی، حاصل ورود رهبران به این حوزه است (میکسون، ۲۰۰۰). این ورود اگر با دسترسی رهبر به مزیت اطلاعاتی و محدودیت آزادی‌های مدنی همراه شود، می‌تواند هزینه شکار جادوگر را کاهش و مشروعیت اقدامات رهبر را افزایش دهد (موی، ۱۹۹۹؛ دنگ، ۲۰۱۸).

۳-۱. رویکرد برساختی

برپایه این رویکرد، ناچمن بن‌یهودا بر این نظر است که پدیده انحراف در تبیین نظم و تغییر اجتماعی نقش محوری‌ای دارد (بن‌یهودا، ۱۹۹۰). در موقعیت انحرافی، یک شخص یا گروه، شخص یا گروه دیگر یا کنش‌های آن‌ها را برای جامعه انحراف‌آمیز یا خطرناک تعریف می‌کند. به نظر بن‌یهودا هر انحرافی یک برساخت اجتماعی است و براین اساس، مفهوم انحراف، همیشه نسبی است (فوگ، ۱۹۹۹: ۱۴۳). بن‌یهودا در جامعه‌شناسی خود، مفهومی با عنوان «عالم نمادین-اخلاقی» را ارائه می‌کند که دیگران آن را «ساختار شناختی» می‌نامند. این عالم نمادها، معانی، ارزش‌ها، انگیزه‌ها، و استدلال‌ها را در یک نظام منسجم می‌آمیزد و به نظام اخلاقی مشخصی مشروعیت می‌بخشد. این نظام، محدودیت‌های اخلاقی را ترسیم کرده و معیار انحراف بودن را مشخص می‌کند (فوگ، ۱۹۹۹: ۱۴۴-۱۴۳). عالم نمادین-اخلاقی، به قدرت نیز مشروعیت می‌بخشد و تغییر در آن می‌تواند توزیع منابع و قدرت را نیز تغییر دهد؛ بنابراین، تعریف انحراف اگرچه ممکن است سیاسی نباشد، می‌تواند پیامدهای سیاسی داشته باشد (بن‌یهودا، ۱۹۹۰). منحرف‌سازی ممکن است از مرکز به پیرامون یا برعکس جریان یابد. به بیان دیگر، کسانی که در قدرت یا تابع قدرت هستند، ممکن است متقابلاً همدیگر را به انحراف و کنش‌های ضداجتماعی متهم کنند. اگر این عمل از سوی افراد دارای قدرت موفقیت‌آمیز باشد، به تقویت قدرت آنان کمک می‌کند؛ به عنوان نمونه، می‌توان به حرکت موفق تفتیش عقاید مذهبی اشاره کرد که قرن‌ها شکار کافران و جادوگران را در پی داشت. این واقعیت که جادوگران، ویژگی‌های خطرناکی که به آن‌ها نسبت داده می‌شد را نداشتند، موجب نشد که تأثیر خطر خیالی‌ای که به حفاظت از یک ساختار قدرت قوی مشروعیت می‌داد، کاهش یابد

(فوغ، ۱۹۹۹: ۱۴۴). قصه‌های ترسناکی که درباره این رفتارها گفته می‌شد، از یک‌سو، برای ترساندن افراد (به‌منظور جلوگیری از انحراف) و از سوی دیگر، برای مقابله با تهدیدها علیه نظم اجتماعی مستقر بود (فوغ، ۱۹۹۹: ۱۴۹).

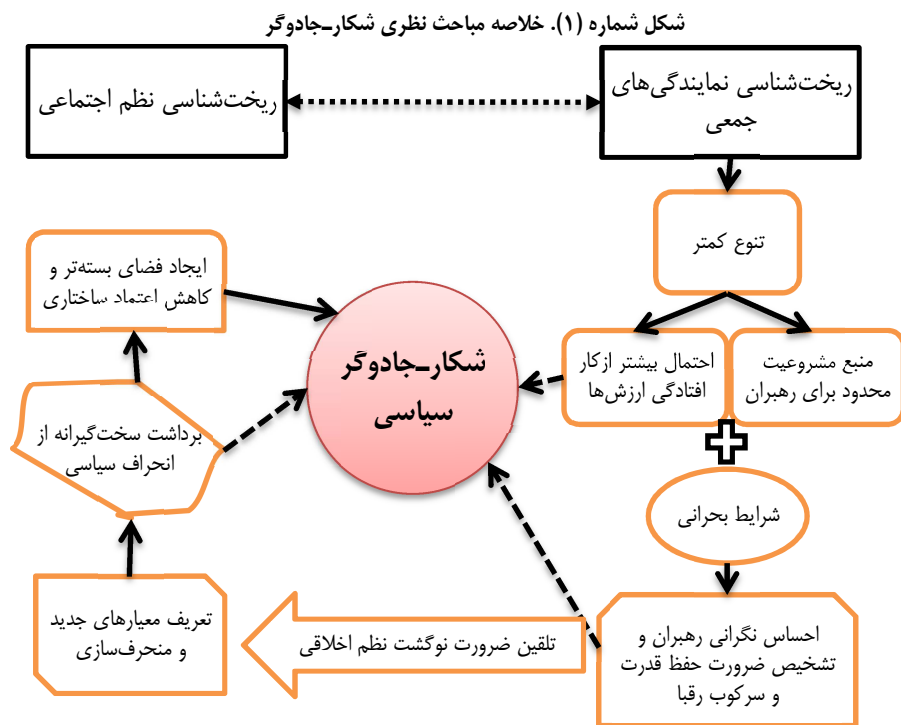
۲. چارچوب نظری پژوهش

به‌نظر نگارندگان، تصفیه انقلابی، پدیده‌ای چندبعدی است که فهم جامعه‌شناختی آن تنها از یک دیدگاه، کار دشواری است؛ به‌همین دلیل، ترکیبی از برداشت‌های مطرح‌شده در بالا می‌تواند کاربردی باشد. این پدیده در شرایط نابسامانی اجتماعی جوامع دارای همبستگی مکانیکی و همگون رخ می‌دهد و کنش معقول رهبران برای حفظ انسجام اجتماعی و به‌تناسب آن، موقعیت فرادستی خودشان است (رویکرد ساختاری=کارکردی). رهبران، برای تقویت خود و تضعیف رقبا (رویکرد انتخاب عقلانی) دست به تعریف و بازتعریف معیارهای انحراف زده (رویکرد برساختی) و با استفاده از برتری اطلاعاتی‌شان تلاش می‌کنند، توده را با خود همراه کنند (رویکرد انتخاب عقلانی). وجود لایه‌های متکثر می‌تواند مانعی برای گسترش ایدئولوژی شکار-جادوگر باشد (رویکرد ساختاری-کارکردی)؛ بنابراین، لازم است کمترین مقاومت‌ها نیز به‌عنوان انحراف تعریف شوند؛ در نتیجه، فضایی ایجاد می‌شود که کمترین بدگمانی‌ها نیز ممکن است با واکنش شدید روبه‌رو شود (رویکرد برساختی).

تعریف انحراف و منحرف‌سازی از مرکز به پیرامون اتفاق می‌افتد، زیرا عکس این حالت، به نتایج نهفته در رویکرد شکار-جادوگر، یعنی نوگشت نظم و حفظ و گسترش قدرت، نخواهد انجامید و می‌تواند سبب شکست حاکمیت شود (رویکرد برساختی و ساختاری-کارکردی). این روند، الزاماً خطی نبوده و ممکن است در مراحل گوناگونی به شکار جادوگر بینجامد.

بنابراین، ایجاد فضای احساس تهدید علیه نظم مستقر یا مطلوب، وجود بحران، اغراق در مورد مسئله، تغییر مرزهای بهنجار بودن، تعریف انحراف‌های جدید، ایجاد احساس ضرورت برای برخورد با مخالفان، استفاده از خشونت فیزیکی برای اعتراف‌گیری، بسیج هواداران برای یافتن مخالفان، و ورود به زندگی شخصی و

استثمار روابط شخصی، از جمله ویژگی‌هایی هستند که می‌توان در رخداد شکار-جادوگر سراغ گرفت. برپایه بحث‌های مطرح‌شده می‌توان الگوی زیر را ترسیم کرد.



۳. روش پژوهش

روش پژوهش در مقاله حاضر، روش مقایسه-تاریخی رخدادهای مورد مطالعه برپایه چارچوب نظری است که طبق دیدگاه اسکاچپول و سامرز^۱ (۱۹۸۰: ۱۷۵) از نوع بازنمایی موازی نظریه به‌شمار می‌آید^(۱) و به‌نظر ریگین (۱۳۸۸: ۷۲-۶۷) شکلی از پژوهش‌های موردی براساس روش توافق و اختلاف میل است. هدف اصلی نگارندگان، ارائه فهم تاریخی مناسبی از تصفیه در انقلاب‌های مهم قرن بیستم با تأکید بر روسیه، چین، و ایران و مقایسه آن برپایه نظریه شکار-جادوگر است. برای گردآوری داده‌ها، بیشتر از منابع دست‌دوم استفاده شده است، زیرا منابع دست‌اول

1. Skocpol and Somers

دچار مشکل عدم انتشار داده‌های درست (آرنت، ۱۳۶۸) هستند و در مورد روسیه و چین، مانع دوم، مشکل تفاوت‌های زبانی است. در مورد ایران، از هر دو نوع منبع استفاده شده است؛ بخشی از تحلیل‌ها براساس فرمایشات امام خمینی (ره)، مشاهدات و خاطرات فعالان انقلاب، مصوبه‌های شورای انقلاب و بخشی نیز برپایه منابع دست‌دوم انجام شده است. این مطالعه کلان‌مقیاس بوده و کشور به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شده است.

با توجه به بحث‌های نظری مطرح‌شده، دوره‌های زمانی موردتوجه در روسیه با تأکید بر دوره تصفیه بزرگ استالین در سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۷، در چین دوره زمانی انقلاب فرهنگی از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۷۶ (به‌ویژه اوایل دوره که بر تصفیه مخالفان بیشتر تأکید می‌شد) و در ایران حدوداً از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۲ بوده است.

۴. نگاهی به رخدادهای تصفیه

۴-۱. تصفیه بزرگ استالینی در روسیه

در مراحل اولیه انقلاب روسیه، حزب کمونیست این کشور اعلام کرد که برای مقابله با افزایش اثر ایدئولوژی تجدیدحیات‌یافته بورژوازی، مجبور است میزان شدیدتری از مبارزه با شیطان را درپیش گیرد (فیتزپاتریک^۱، ۲۰۰۲: ۷۶)، لیکن نیاز به کار با یکدیگر (که از کمبود نیروی انسانی کارآزموده کمونیست ریشه می‌گرفت) از یک سو، و افکار شخصی لنین از سوی دیگر — که آشکارا با موقعیت پیشانقلابی فکر می‌کرد که حتی غیرمارکسیست‌ها تحت تأثیر مارکسیسم بوده و با آن هماهنگی داشتند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۲: ۷۷-۷۹) — باعث شده بود که در این دوره زمانی، تصفیه، کمتر حالت خشونت‌بار داشته و دولت شوروی، راه گفت‌وگو با مخالفان دانشگاهی خود را درپیش گیرد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). لیکن در اواخر عمر لنین، زمانی که نظم آهنین حزب پرولتاریا تضعیف شد، اعلام شد که حزب، تصمیم گرفته است هیچ‌گونه دسته‌بندی یا سرپیچی از اتحاد حزبی را تحمل نکند (برژینسکی^۲،

1. Fitzpatrick
2. Brzezinski

۲۰۱۴: ۵۱؛ شاتز^۱، ۱۹۸۴). این موضع‌گیری در عمل پیاده شد و برنامه تصفیه در سال‌های گوناگون ادامه یافت و به تناسب افزایش قدرت رژیم، سرکوب‌ها نیز افزایش یافت (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۲). البته در مورد افکار لنین و ارتباط نظر وی با سیاست استالین دو نوع برداشت وجود دارد: عده‌ای بر این نظرند که بین این دو تفاوت وجود دارد و در مقابل، عده دیگری سیاست استالینی تصفیه را ادامه منطقی دوره لنین می‌دانند (شاتز، ۱۹۸۴: ۸؛ کولایی، ۱۳۷۲: ۵۶). به هر حال، به دلایل فراوانی، مراحل اولیه تصفیه انقلابی در روسیه نسبت به اواخر دهه ۱۹۳۰ بسیار محدود و حاشیه‌ای به شمار می‌آیند (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۰).

محاکمه و تصفیه متخصصان در سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۲۸، زمانی آغاز شد که رژیم به قدر کافی نیروی انسانی برای جایگزینی نیروهای شاغل تربیت کرده بود. سال ۱۹۳۱، اداره سیاسی دولت^۲ متکبرانه اعلام کرد که سازمان جاسوسی منشویک را کشف و متلاشی کرده است. در سال ۱۹۳۲ طرفداران پیشین تروتسکی و مخالفان دست‌راستی حذف شدند و در سال ۱۹۳۳، کمیساریای کشاورزی، تصفیه و متفکران زیر نظر گرفته شدند. در سال ۱۹۳۵، در یک حرکت نمادین، برخی انجمن‌های کمونیستی پیشین منسوخ شدند؛ بنابراین، دگرگونی‌های حزبی و جذب کارکنان جدید (۱۳۰۰۰۰۰ نیروی جذب‌شده در مقابل ۳۸۲۵۸۷ نیروی تصفیه‌شده) زمینه را برای تلاش‌های گسترده‌تر فراهم کرده بود (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۴-۵۲؛ کولایی، ۱۳۷۲: ۵۹-۵۵).

روند تثبیت قدرت سیاسی، باعث شده بود که الگوهای اجتماعی سنتی، دوباره بروز کنند که بازتابی از تداوم تضادهای ایدئولوژیک پیشین در بین رده‌های پایین‌تر بوده و مانع دستیابی رژیم به اتحاد «یکپارچه» به شمار می‌آمدند (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۶۷). به همین سبب، رژیم در موقعیت متناقضی قرار گرفته بود؛ قدرتش آشکارا از طریق تغییر شکل جامعه شوروی و تکمیل زندگی اشتراکی مستحکم، و خطر فاشیسم (هیتلری آلمان) برطرف شده بود، ولی نمی‌توانست اجازه دهد که این ثبات

1. Shatz

2. Государственное политическое управление translated to: State Political Directorate (or Administration) (GPU)

سبب بی‌عملی شود. ماهیت توتالیتر رژیم، اهداف گسترده‌تر، فعالیت‌های عظیم‌تر، و برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتری را طلب می‌کرد. انگیزه‌های مشابهی نیز در حوزه سیاسی برای اطمینان‌یابی از بقای شور و حرارت انقلابی و مقابله با انحطاط حزب و دولت به چشم می‌خورد (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۶۸؛ ولیکانوا^۱، ۲۰۱۸: ۶۵). تناقض جدی دیگر، تقابل بین آرمان‌شهر مارکسیستی-لنینیستی-استالینیستی موعود سوسیالیسم و مرد و زن شوروی جدید از یک‌سو، و واقعیت محرومیت، قحطی، گرفتاری‌های زندگی، و نیروی کاری که پاداش خود را نگرفته بود از سوی دیگر، نیاز نظام‌مند به تصفیه و خشونت را خلق می‌کرد (نایمارک^۲، ۲۰۱۱: ۱۱۶؛ ولیکانوا، ۲۰۱۸: ۳۹).

به تدریج، با صدور کارت‌های عضویت جدید، جابه‌جایی اعضا از یک سازمان به سازمان دیگر قاعده‌مندتر شد و قواعد سخت‌گیرانه‌ای که تا آن زمان سابقه نداشت، بر شیوه‌های فعالیت حزبی از جمله نقل و انتقال اعضا، دریافتی‌ها، گزارش‌نویسی، و... اعمال شد (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۶۹). قحطی سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۲ به همراه بی‌نظمی‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت‌ها (به‌رغم اعمال نظام گذرنامه و قانون ثبت محل سکونت) باعث شده بود که رژیم از ترکیب کلاسیک «چماق و هویج» تنها «چماق» آن را به‌عنوان ابزاری برای مدیریت دولتی خود به‌کار گیرد (ولیکانوا، ۲۰۱۸: ۵۵). نه تنها حجم تصفیه، بلکه رخداد آن در دوره صلح — در کشوری با آرمان‌های یادشده — نیز معمای تاریخی بود (شاتز، ۱۹۸۴: ۳).

درواقع، از یک‌سو، رهبر شوروی، تصفیه‌های سال‌های ۱۹۳۷-۱۹۳۶ را لازم می‌دانست و از سوی دیگر، عامل خارجی‌ای که به‌عنوان انگیزه اولیه ترور و تصفیه ذکر شده بود، تهدید امنیت شوروی از آن سوی مرزها در نتیجه قلدری‌های هیتلر بود (نایمارک، ۲۰۱۱: ۱۲۰). افزون‌بر عامل خارجی، رهبران، نگران تغییر اخلاق حزبی و تضعیف و تحلیل رفتن آن در نتیجه مبارزات قدرت و گرایش به تغییر چهره شوروی بودند (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۴). اگرچه حزب به‌لحاظ تعداد اعضا رشد کرده بود، رنج‌های توصیف‌ناپذیر و جمع‌گرایی به سرخوردگی و نارضایتی انجامیده بود.

1. Velikanova
2. Naimark

درعین حال، نسل جدیدی از کمونیست‌ها تربیت شده بودند که در پی ورود به دستگاه اجرایی بودند و این امر نیازمند انجام تصفیه بود (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۵-۵۴؛ ولیکانوا، ۲۰۱۸: ۶۴). این گسترش اعضا، افزون‌بر ایجاد نیاز، امکان بسیج عناصر تصفیه‌کننده را نیز فراهم کرده بود (ولیکانوا، ۲۰۱۸: ۸۷).

بنابراین، تصفیه سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۷ نتیجه منطقی دولت‌سازی در شوروی و پیامدهای بعدی مبارزه برای قدرت بود که توسط استالین به‌ثمر نشست (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۰). این حمام خون که پس از تصفیه سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۵ جاری شد، هم نتیجه و هم بخش جدایی‌ناپذیر حرکت‌های پیشین بود (برژینسکی، ۱۹۵۶: ۶۵) و در آن، به اصطلاح رقبای سیاسی، با توطئه‌های کاملاً جعلی شاکیانشان مورد تعقیب، محاکمه، و اتهام قرار گرفتند (نایمارک، ۲۰۱۱: ۱۰۰) و «فرصت‌طلبان» حزبی بی‌علاقه به سیاست‌های جدید که ویژگی توده‌ای داشتند، تصفیه شدند (کانکوئست^۱، ۱۹۸۷: ۱۰۴). برخی مورخان به رابطه پروبلماتیک مرکز و پیرامون نیز به‌عنوان منبعی برای تصفیه اشاره کرده‌اند، که در این مورد، استالین قصد داشت مقامات حزبی و دولتی محلی را جابه‌جا کند، برخی را کشته، دیگران را زندانی کرده، و نسل جدیدی از نیروهای فرمان‌بردارتر را جایگزین کند. در حالی که به‌نظر پایتخت‌نشینان و استان‌ها، تصفیه با نیاز استالین به اطمینان‌یابی از تهدیدناپذیری قدرتش سازگار بود، به‌نظر استالین، اطرافش پر از بلشویک‌های قدیمی، و انقلابی‌های باسابقه‌ای بود که احساس می‌کردند شایسته جایگاه و امتیازهایشان هستند؛ بنابراین، ممکن بود رهبری وی را به‌چالش بکشند یا دست‌کم در مقابل سیاست‌هایش قرار گیرند (نایمارک، ۲۰۱۱: ۱۱۷-۱۱۶؛ ولیکانوا، ۲۰۱۸: همچنین، گلدمن، ۲۰۰۷؛ سیگل باوم و سوکولوف به‌نقل از: ولیکانوا، ۲۰۱۸؛ نایت، ۱۳۷۴: ۱۳۰). اصلاحات انتخاباتی و دست‌کاری‌های لازم برای هدایت خشم عمومی علیه دیوانسالاری نیز زمینه تصفیه و احیای دستگاه دولتی محلی را فراهم کرد (شاتز، ۱۹۸۴؛ ولیکانوا، ۲۰۱۸: ۷۷).

به‌باور استالین و رهبری شوروی، اعضای «دو روی» بی‌شماری درون حزب

وجود داشتند که به‌ظاهر از استالین و دولت شوروی حمایت می‌کردند، ولی در واقع به‌عنوان جاسوس‌ها و کارگزاران قدرت‌های خارجی در دستگاه دولت نفوذ کرده و به‌عنوان مخبر صنعتی، نهادهای شوروی را تخریب می‌کردند. آن‌ها باید تعقیب می‌شدند، واقعیت از زیر زبانشان بیرون کشیده می‌شد، و به مرگ محکوم می‌شدند (نایمارک، ۲۰۱۱: ۱۰۷).

تصفیه‌ها برای کسب مشروعیت جمعی در قالب دین سیاسی مارکسیستی انجام می‌شد. بورلیگ در مورد شوروی به ما یادآوری می‌کند که شیوه‌های باور در روسیه استالینی شبیه به خداباوری دارای چرخه‌های اعتراف، تزکیه، و تبرئه عمومی بوده است (باری^۱، ۲۰۱۵: ۶۳۱). کارلوا بر این نظر است که ادبیات روسیه در دهه ۱۹۳۰، با رد تمام فرهنگ پیشین، برای نمایش عمق ایثار انقلابی، از تصویر راهبه بهره برد، که شکاف عمیقی با واقعیت موجود داشت. این کار ابزاری برای ایدئال انقلابی-ایدئال تصفیه به‌منظور خدمت به ایده انقلابی بود (کارلوا، ۲۰۱۹: ۱۰۰۳). استالین به‌سرعت به نماد قدرت شوروی تبدیل شد و تلاش‌های پیوسته برای توجه به وی، ویژگی ماهیت درحال‌رشد دیکتاتوری در قدرت شوروی بود (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۶۷). در دوره استالین، مبارزه با شر (شیطان) ویژگی هیستری جمعی به خود گرفته بود. با وجود تمام تلاش‌های انجام‌شده، تصفیه بزرگ و شیدایی شبه‌مذهبی آن به‌سختی با استفاده از واژه‌های عقلانی و ابزاری قابل تبیین است. در عوض، برخی از این ویژگی‌ها، مانند شکار-جادوگر در اروپای قرون وسطی بوده‌اند (گریفین، ملت، و تورتوریس^۲، ۲۰۰۸: ۱۲۸).

برای کسب اعتماد بیشتر در بین میلیون‌ها هوادار غیرحزبی، دسته‌هایی که باید از حزب حذف می‌شدند عبارت بودند از: عناصر بیگانه و متخصص نفوذی؛ اخلاص‌گران در نظم حزبی که شبهه‌هایی در مورد خردمندی تصمیم‌ها و نقشه‌های حزبی منتشر می‌کردند؛ افراد منحطی که تمایلی به مبارزه با کولاک‌ها و دشمنان ملت نداشتند؛ صاحبان حرفه‌هایی که رفاه خود را با تحمیل ضرر و زیان به حزب و مردم بهبود بخشیده بودند؛ افراد دارای انحطاط اخلاقی که پرچم حزب را لکه‌دار

1. Barry
2. Griffin, Mallett and Tortorice

کرده بودند (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۴؛ کانکوئست، ۱۹۸۷؛ ولیکانو، ۲۰۱۸). دشمنان طبقه کارگر، افرادی که در خارج از کشور خویشاوندانی داشتند، مجرمان سابقه‌دار، اسب‌دزدها، اعضای فرقه‌های مذهبی دارای سابقه زندان، افراد مظنون، و مظنونان بالقوه نیز از جمله افرادی بودند که به‌دستور استالین دستگیر شده بودند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۱، ۱۶۶؛ ولیکانو، ۲۰۱۸: ۵۸). بلشویک‌های قدیمی و هم‌پیمانان، خانواده، افراد مرتبط با آن‌ها، و دوستانشان، افسران ارتش سرخ (به‌ویژه آن‌هایی که در جنگ سرد شرکت کرده و احساس می‌کردند بنیان‌گذاران قدرت شوروی هستند)، منشویک‌های سابق، انقلاب‌های سوسیالیست، و کادتها و مردمی که هرگونه ارتباطی با آن‌ها داشتند، هدف مهمی برای دستگاه تصفیه بودند. پیشنهاد سیاسی نیز هدف‌های بعدی را تعیین می‌کرد؛ کولاک‌ها، کشیش‌ها، زمین‌داران سابق، کارمندان سابق طرفدار تزار، افراد ضدکمون، و افراد دیگری از این قبیل (نایمارک، ۲۰۱۱: ۱۱۸). شهروندان شوروی که تماس‌هایی با خارجی‌ها داشته، با شرکت‌های خارجی کار کرده، یا در خارج زندگی کرده بودند نیز به‌سرعت مورد بدگمانی قرار گرفته و اغلب دستگیر، تصفیه، تبعید، و تعداد زیادی نیز اعدام شدند (نایمارک، ۲۰۱۱: ۸۵، ۱۱۹). بخش مهمی از احکام اعدام برای افرادی صادر شده بود که به‌جای خصومت اجتماعی و سیاسی، به دشمنی «ملی» محکوم شده بودند (نایمارک، ۲۰۱۱: ۸۴؛ کانکوئست، ۱۹۸۷: ۳۳۳).

افراد دعوت‌شده به کمیته‌های تصفیه حزبی باید یک گزارش زندگی‌نامه شخصی و اطلاعاتی در مورد کار پیشین و کنونی خود ارائه می‌دادند. کار کمیسیون تصفیه در یک روز مشخص و با حضور صدها تماشاگر برگزار می‌شد که می‌توانستند از فرد سؤال پرسند. پرسش‌ها می‌توانست درباره زندگی‌نامه‌ها و اتهام‌های گزارش‌شده باشد. پس از پایان جلسه، کمیسیون حکم خود را با عنوان‌هایی مانند پاک‌سازی شده، پاک‌سازی به‌همراه توبیخ، یا اخراج‌شده از حزب اعلام می‌کرد... (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۵۵). در پیگیری‌های بعدی، این زندگی‌نامه با شجره افراد نیز ترکیب می‌شد و حمله استالین و وزارت امور داخلی شوروی به مردم روسیه را از حالت تصادفی خارج می‌کرد (نایمارک، ۲۰۱۱).

درواقع، در تصفیه‌های مرتبط با مخالفان بالقوه، نوعی اغراق به‌چشم می‌خورد

که دامن طیفی از افراد وفادار به استالین که خود وی آن‌ها را به‌کار گرفته بود تا شهروندان دارای زندگی نامه پاک اجتماعی، سیاسی، و ملی شوروی را نیز گرفت و برخی از آن‌ها نیز سرانجام دستگیر، اعدام، یا محبوس شدند (نایمارک، ۲۰۱۱: ۱۱۹). این تصفیه‌ها با هدف تحکیم جایگاه رهبری استالین در حزب پس از تجربه‌های آسیب‌زای اوایل دهه ۱۹۳۰ انجام می‌شد که اغلب ناظران خارجی آن را مقدمه‌ای بر فروپاشی رژیم شوروی می‌دانستند، ولی در این شرایط بحرانی، نه تنها شوروی دچار فروپاشی نشد، بلکه قدرت رهبری تقویت شد و خیانت به رهبری به معنای خیانت به کمونیسم به‌شمار می‌آمد که تعداد انگشت‌شماری از افراد، حاضر به پرداخت چنین هزینه‌ای بودند (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۶۳). دستگیری‌ها و کشتار توده‌ای که در دوره تصفیه رخ داد، به‌جای اینکه ناشی از تهدیدهای موجود علیه امنیت شوروی باشد، ناشی از بیگانگی‌های سیاسی و پارانوئای استالین بود. بدون استالین به‌عنوان عامل کشتار انبوه، تصور وقوع ترور بزرگ دشوار است (نایمارک، ۲۰۱۱: ۱۲۰؛ نایت، ۱۳۷۴: ۱۳۴).

هیچ اطلاعاتی در مورد تعداد افرادی که در دستگیری‌های گسترده همراه با تصفیه توقیف شده‌اند، در دست نیست. گرچه برخی اندازه‌گیری حجم دستگیری‌ها، تبعیدها، زندانی‌ها، و کشته‌ها را غیرممکن می‌دانستند (شاتز، ۱۹۸۴: ۱)، با تبدیل این تصفیه به یک خاطره تاریخی در گذر زمان، انتقادهای بعدی به سیاست استالینی در روسیه و وجود برخی مطالب منتشرشده در مورد اثر تصفیه بر خود حزب، در شناسایی ابعاد فاجعه به ما کمک می‌کنند (شاتز، ۱۹۸۴؛ برژینسکی، ۲۰۱۴: ۶۰؛ آرنت، ۱۳۶۹؛ کولایی، ۱۳۷۲). براساس گزارش‌های حزبی از مناطق گوناگون اتحاد جماهیر شوروی می‌توان گفت، تصفیه‌ها بین ۱۲ تا ۲۵ درصد اعضا را دربر می‌گرفت و اغلب گزارش‌ها متوسط آن را حدود ۱۵ درصد اعلام کرده‌اند (برژینسکی، ۲۰۱۴: ۶۱). کانکوئست، به‌جای واژه تصفیه بزرگ برای توصیف تصفیه‌های دوره زمانی ۱۹۳۷-۱۹۳۸ عنوان «ترور بزرگ» را ابداع کرد که پس‌از آن، مورخان از این واژه استفاده کرده‌اند (نایمارک، ۲۰۱۱: ۹۹). در طول سال‌های ۱۹۳۷-۱۹۳۸، برخی کارکنان عالی‌رتبه کمونیست در بخش‌های گوناگون اداره‌های دولتی (دولت، حزب، صنعت، نیروهای نظامی، و پلیس) متهم شده و به‌عنوان

«دشمنان مردم» دستگیر شدند. برخی از آن‌ها تیرباران شدند و برخی نیز در گولاگ‌ها ناپدید شدند. خروش‌چف در جلسه‌ای اعلام کرد که از ۱۳۹ نامزد کمیته مرکزی حزب در سال ۱۹۳۴، تعداد ۴۱ نفر در تصفیه بزرگ کشته شده‌اند. افزون‌براین، کارکنان عالی‌رتبه طبقه روشنفکر روسیه نیز هدف تصفیه قرار گرفته بودند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۱: ۱۶۵). این حجم از ترور و تصفیه در تاریخ مدرن، سابقه نداشت (برژینسکی، ۱۹۵۶: ۶۵). در سال پایانی، ۴۲ درصد زندانیان گولاگ، دشمنان سیاسی (ضدانقلاب، جاسوس، و ازاین‌قبیل)، ۲۴ درصد، عناصر خطرناک یا مضر اجتماعی، و بقیه، مجرمان معمولی بودند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۱: ۱۶۶؛ ولیکانوا، ۲۰۱۸).

جایگزینی افراد تصفیه‌شده نیز با دشواری‌های چشمگیری همراه بود (کانکوئست، ۱۹۸۷: ۲۲۱). با کشتار ناشی از تصفیه بزرگ در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸، تداوم رهبری حزب تقریباً با شکست روبه‌رو شد؛ این تصفیه‌ها نه تنها برخی هم‌نسل‌های بلشویک قدیمی را نابود کرد، بلکه تعداد زیادی از اعضای حزب که طی دوره جنگ سرد و جمع‌گرایی به آن پیوسته بودند را نیز از بین برد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۱: ۱۶۵).

۲-۴. تصفیه انقلابی چین

در حزب کمونیست چین نیز تجربه تصفیه، هم پیش از انقلاب و هم پس‌از آن، وجود داشته و جالب اینکه این حزب نیز از تعبیرهای دین سیاسی برای انجام تصفیه بهره برده است. پیش از انقلاب، جغرافیای سیاسی زیر سلطه کمونیست‌ها، مزیتی در اختیار آن‌ها قرار می‌داد تا به برقراری نظم و وحدت توجه کنند. تصفیه‌های اولیه در حزب در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲ بی‌رحمانه و خشونت‌آمیز بود و نیروهای چریک حزب، کمپینی را برای سرکوب ضدانقلاب تشکیل داده بودند. مائو، متقاعد شده بود که مقاومت ارشدهای محلی به دلیل توطئه زیرزمینی است؛ ازاین‌رو، موجی از شکنجه و اعدام توده‌ای را به‌راه انداخته و اعضای حزب به‌دنبال مظنونان بودند. تصفیه در این دوره به‌عنوان شکلی از هیستری شکار-جادوگر به‌شمار می‌آمد و نیروهای محلی به‌گونه‌ای دیوانه‌وار تلاش می‌کردند برای پنهان کردن خود، فهرست

بلندبالایی از ضدانقلاب را در بین همکارانشان شناسایی کنند^(۲) (والدر،^۱ ۲۰۱۵: ۲۴-۲۵؛ بورتون،^۲ ۱۹۷۱؛ وانگ،^۳ ۱۹۹۶). همچنین، کمپین اصلاح^۴ در دوره زمانی ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ از طریق بازآموزی و تصفیه، اقتدار شخصی مائو را به فراتر از تمام رهبران پیشین حزب ارتقا داد (سولیوان، ۲۰۱۱: ۲۲۱؛ دیکسون، ۲۰۱۶: ۳۴-۳۵). تصفیه در حزب کمونیست چین به‌حدی معمول بود که عده‌ای آن را یکی از ویژگی‌های این حزب دانسته‌اند (دیکسون، ۲۰۱۶).

پس از انقلاب نیز تصفیه‌های موردی جریان داشت که شاید مهم‌ترین آن‌ها، شاید مهم‌ترین آن‌ها واقعه گنگ و سوشی باشد که در مارس ۱۹۵۵ در نتیجه جدال بر سر رهبری رخ داد (سولیوان، ۲۰۱۱: ۱۴، ۱۱۰)، ولی هیچ‌یک از این تصفیه‌ها در حد تصفیه دوران انقلاب فرهنگی نبود. پس از شکست طرح بزرگ مائو با عنوان «جهش بزرگ به جلو»، وی اعتمادش به وفاداری رهبران دیگر حزب را از دست داد و در عمل، هدف اصلی تصفیه‌ها، برائت رهبری از شکست طرح‌هایی مانند جهش بزرگ به جلو (والدر، ۲۰۱۵) و ستیزه‌های خونین ملی بین ارتش آزادی‌بخش خلق^۵ و انقلابیون بود (بورتون، ۱۹۷۱: ۱۰۳۴). البته هدف مائو تصفیه نبود، ولی حذف فوری تهدیدها، شرط لازم برای تحقق اهداف وی بود که تصفیه، یکی از ابزارهای آن به‌شمار می‌آمد (وانگ، ۱۹۹۶؛ دیکسون، ۲۰۱۶).

در سال ۱۹۶۵، مائو در راهنمای سیاست حزبی از اصطلاح «جاده صاف‌کن سرمایه‌داری» (به شکل تحت‌اللفظی «کسانی که در داخل حزب، قدرت را در دست داشته و مسیر سرمایه‌داری را در پیش می‌گیرند») استفاده کرد. این اصطلاح به افرادی اشاره می‌کرد که سیاست‌های اقتصادی عمل‌گرایانه مشخصی را در مقابل شوربختی‌های جهش بزرگ به جلوی مائو اتخاذ کرده بودند و از دید مائو به سوسیالیسم خیانت می‌کردند (جیان و دیگران،^۶ ۲۰۰۶؛ بورتون، ۱۹۷۱).

1. Walder
2. Burton
3. Wang
4. Rectification
5. PLA
6. Jian

این تصفیه‌ها با آیین کنفوسیوس بی‌ارتباط نبود. وبر (۱۹۵۱) بر این نظر است که در اصل، طرفداران آیین کنفوسیوس، دست‌کم در حد یهود و مسیحیت، در مورد واقعیت جادو شک داشته‌اند. آیین کنفوسیوس نیز مانند باور یهودی‌ها، مدعی است که جادو در رویارویی با واقعیت ناتوان است. فردی که به شیوه کلاسیک زندگی می‌کند، نیازی به ترس از روح ندارد و تنها بی‌تقوایی به ارواح قدرت می‌بخشد (وبر، ۱۹۵۱: ۱۵۵). ریشه‌های کنفوسیوسی مبارزه با جادو خود را در جنبش‌های مبارزه با خرافات در چین نشان داده بود و حال به‌گونه‌ای غیرمستقیم برای مبارزه با رقیبان رهبری به‌کار می‌رفت. نظارت بر کار تصفیه، به‌گونه‌ای هدفمندانه انجام می‌شد و مسئولان حزب کمونیست «گروه‌های کاری»^۱ را، به‌منظور کسب اطمینان از کارآمدی تصفیه و تطابق آن با انتظارات حزب، برای بازدید می‌فرستادند (برایان^۲، ۲۰۲۰: ۱۳).

دیدگاه‌های مائو، در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۶۷ به‌سندی تبدیل شده بود که سازمان‌های عمومی را به انجام فعالیت‌های گسترده‌ای برای «فراری دادن خیانت‌کاران» مکلف می‌کرد، که جاده‌صاف‌کن‌ها و تجدیدنظرطلبان را دربر می‌گرفت (جیان و دیگران، ۲۰۰۶: ۴۵، ۲۶۲؛ بورتون، ۱۹۷۱: ۱۰۳۰). در ۱۶ مه ۱۹۶۷، سازمانی از دانشجویان در بیجینگ شکل گرفت که «هنگ مجازات ارتش سرخ ۱۶ مه»^۳ نامیده شد. این سازمان که چندی بعد، «۱۶ مه» نامیده شد^(۳)، به یک حرکت ملی شکار-جادوگر سیاسی تبدیل شد (جیان و دیگران، ۲۰۰۶). افزون‌بر «۱۶ مه»، سازمان‌های دیگری نیز شکل گرفتند. «دسته یاغی‌ها»^۴ که دربردارنده فرزندان والدین اخراج‌شده از حزب، کارگران فاقد امنیت شغلی، جوانان تبعیدشده به مناطق روستایی که بدون مجوز به شهر برگشته بودند، دانشجویان دارای پیشینه تعلق به پنج گروه سیاه^(۴)، افراد بی‌سرپرست و خلافکار و اعضای سرکش حزبی و نظامی بودند نیز آماده حمله به اعضای حزب و همه کسانی بودند که برای مجازات

-
1. Work Teams
 2. Bryan
 3. The Capital May 16 Red Guards Regiment
 4. Zaofanpai or Rebel Faction

انتخاب می‌شدند و با اهداف مائو برای تصفیه حزب و جایگزینی نسل جدیدی از رهبران، همسو بودند (سولیوان، ۲۰۱۱: ۲۲۰). «جنبش آموزش سوسیالیستی» نیز جریانی بود که به‌طور مستقیم به تصفیه‌های گسترده و مبارزات سیاسی در انقلاب فرهنگی انجامیده بود (سولیوان، ۲۰۱۱: ۲۴۴). مائو با تعطیل کردن مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، جوانان را برای خیزش و تصفیه نمایندگان ناپاکی و فرقه‌هایی که برای مرگ رژیم کمونیست نقشه کشیده بودند، برانگیخت (برتون، ۱۹۷۱؛ برایان، ۲۰۲۰). در مبارزه‌ای که بین خط نخبگان معتدل و تندرو حزب وجود داشت، مائو نقش کلیدی‌ای ایفا می‌کرد؛ وی گاهی طرف جریان معتدل را می‌گرفت، ولی اغلب برای حمله و تصفیه مخالفان «معتدل»، به‌ویژه در انقلاب فرهنگی، به تندروها می‌پیوست (سولیوان، ۲۰۱۱: ۲۴۸؛ وانگ، ۱۹۹۶).

کمیته‌های انقلابی جدید با اصل قرار دادن عزل «دشمنان پنهان» یا در بسیاری از موارد، رقبای قدرت در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ شکل گرفتند. فقدان هنجارهای قانونی محلی برای تعیین رفتارهای ضدانقلابی باعث شد، زیر پا گذاشتن نمادهای مائو یا تظاهر به بی‌کفایتی در وفاداری، به معیاری برای اتهام‌زنی تبدیل شود (لسه، ۲۰۱۱). انحراف از خط حزبی می‌توانست به معنای تصفیه و حذف فیزیکی باشد (سولیوان، ۲۰۱۱: ۲۳).

بر پایه نظریه ادامه انقلاب به‌رهبری دیکتاتوری پرولتاریا، جاده‌صاف‌کن‌های سرمایه‌داری، نماینده‌های بورژوازی درون حزب بودند که راهشان را به درون حزب باز کرده و فاسد شده بودند؛ خروش‌چف‌های چینی که هدفشان برگرداندن سرمایه‌داری به چین بود. با توجه به اینکه عنوان «جاده‌صاف‌کن سرمایه‌داری» هیچ‌گاه به‌وضوح تعریف نشد، به تکیه کلام شکار-جادوگر در چین نیز تبدیل شده بود (جیان و دیگران، ۲۰۰۶: ۲۷؛ والد، ۲۰۱۵؛ شیرک^۱، ۲۰۱۵؛ سولیوان، ۲۰۱۱: ۳۷؛ وانگ، ۱۹۹۶)؛ بنابراین، جاده‌صاف‌کن سرمایه‌داری می‌توانست نه تنها در بین زمین‌داران پیشین، دهقانان مرفه، و گروه‌های اجتماعی مظنون دیگر، بلکه در رده‌های بالای حزب کمونیست نیز یافت شود (سولیوان، ۲۰۱۱: ۳۷؛ وانگ، ۱۹۹۶).

اعضای ارتش سرخ، به رهبران حزبی محلی و بورژواها، افراد بزرگسال، افراد فاقد تعهد و سازگاری با ایدئولوژی، و جمعیت روشنفکر که تهدید بزرگی برای رژیم کمونیست به‌شمار می‌آمدند، حمله و آن‌ها را تصفیه می‌کردند (برایان، ۲۰۲۰: ۱۲). پیروی ناکافی، فرد را به مظنون تبدیل می‌کرد (والدر، ۲۰۱۵: ۲۸۲). انتقاد و خودانتقادی می‌توانست به تصفیه و حتی اعدام منجر شود (سولیوان، ۲۰۱۱: ۶۸). هرکسی که در انجام مراسم فرقه کمونیستی، غلط‌نویسی پرسش مائو، انتشار اطلاعات نادرست در مورد نمادهای فرقه به‌گونه‌ای هدفمند یا بدون هدف، مشارکت می‌کرد، با حکم «ضدانقلاب فعال» روبه‌رو می‌شد؛ به‌عنوان مثال، یکی از اعضای تیم پزشکی محلی، مطلبی را در صفحه روزنامه‌ای نوشته بود که در پشت آن، عکس مائو قرار داشت و هنگامی که جلو نور گرفته می‌شد، کلمه «بد» روی عکس مائو می‌افتاد؛ وی به‌همین دلیل به‌عنوان ضدانقلاب محکوم شده بود یا دهقانی به‌دلیل تلفظ «وفاداری» در لهجه محلی به‌شکل «بله» و استفاده از روزنامه‌ای که عکس مائو روی آن بود برای طهارت، توسط همسایه‌ها لو رفته و متهم شده بود (لسه^۱، ۲۰۱۱: ۲۰۷-۲۰۶).

آمار دقیقی از افراد متهم‌شده در چین در دسترس نیست، لیکن به‌عنوان نمونه، حرکت «۱۶ مه»، برپایه برآوردهای رسمی، به متهم کردن بیش از یک میلیون نفر انجامید. محدودیت رسمی‌ای برای جنبش وجود نداشت و تا پایان انقلاب فرهنگی تداوم یافت (جیان و دیگران، ۲۰۰۶، ۱۹۲؛ بورتون، ۱۹۷۱). کمپین «ژنگفان» نیز که در سال‌های ۱۹۵۱-۱۹۵۰ شکل گرفته بود، به اعدام هفتصد تا هشتصد هزار نفر و زندانی شدن میلیون‌ها نفر انجامید؛ بدون اینکه از هرگونه حمایت قانونی یا روند دادرسی برخوردار باشند (سولیوان، ۲۰۱۱: ۱۴-۱۳). در کنار این حرکت، فعالیت‌های نهادهای تصفیه دیگر نیز قابل توجه بود و از رهبران اصلی حزب تا مسئولان و مقامات محلی و مردم عادی را دربر می‌گرفت. نتایج تصفیه در انقلاب فرهنگی چین به‌حدی دهشتناک است که کمتر ملتی حاضر هستند این تجربه را تکرار کنند.

1. Leese, D.

۳-۴. تصفیه انقلابی ایران

تصفیه در ایران، برخلاف نمونه‌های روسی و چینی، فاقد نمونه پیشینی در جریان انقلابی اسلام‌گرا بود، لیکن دو مؤلفه چارچوب فکری و تجربه زیسته جریان اسلام‌گرا، عاملی برای شروع زودهنگام این رخداد بود. به لحاظ چارچوب فکری، امام خمینی (ره) به عنوان تربیت شده و استاد حوزه‌های علمیه، نگرشی آگاهانه به فضای علمی، سیاسی، و اجتماعی دانشگاه‌ها و جامعه آن روز داشت و نگرانی ایشان از روند سکولاریزاسیون و تحریف در دین، انگیزه اصلی حرکت انقلابی‌ای بود که نقطه شروع آن به اوایل دهه ۱۳۴۰ برمی‌گشت (مهران، ۱۹۸۹؛ فلاحی، ۱۹۹۳: ۱۱۰). افزون‌براین، تجربه زیسته تاریخی پردشدگی از سوی قدرت حاکم و روشنفکران، به روحانیت آموخته بود که بقا در گرو مبارزه با دشمن است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸).

تصفیه در ایران در موقعیتی آغاز شد که نظم پیشین به هم خورده و نظم جدیدی در حال استقرار بود. نزاع گروه‌های سیاسی بر سر هژمونی و اختلاف‌های درونی جامعه، فضایی پرابهام را فراهم کرده بود که تشخیص حقیقت را برای مردم دشوار می‌کرد (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۱-۱۲۰). رویارویی ایران و آمریکا به سبب تسخیر لانه جاسوسی، ناامنی‌های مرزی و بی‌توجهی گروه‌های سیاسی مخالف جریان اسلام‌گرا که به فضای ناامنی و تفرقه دامن می‌زدند، موقعیت خطیری را به وجود آورده بود (فلاحی، ۱۹۹۳: ۸۳؛ رضایی و دیگران، ۱۳۹۸). فضای دانشگاه و آشفتگی‌های درونی آن، در عمل به تهدیدی برای تثبیت نظام تبدیل شده بود (فلاحی، ۱۹۹۳: ۸۴-۸۳). این وضعیت، با قصور دولت در اجرایی‌سازی پیام‌های امام ترکیب شده بود تا جریان‌های اسلامی، خود برای اقدام مستقیم وارد عمل شوند (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸).

دانشگاه نیز فضایی بود که به دلایل فراوانی، رنگ‌وبوی غیرانقلابی و ضدانقلابی به خود گرفته بود. بخشی از این دلایل عبارت بودند از:

• خروج دانشجویان مسلمان به منظور نهادینه‌سازی انقلاب در نهادهای گوناگون حکومتی؛

• آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت آن‌ها به دانشگاه؛

● باقی ماندن بخشی از نیروهای طرفدار رژیم پیش از انقلاب در محیط دانشگاه؛

● سپری نشدن زمان کافی برای نیروسازی انقلاب؛

● تسلط سکولاریسم بر دانشگاه پیش از انقلاب و نهادینه شدن آن؛

● تلاش گروه‌های مخالف برای ایجاد ناامنی از طریق ترورها و بمب‌گذاری‌ها

(حاضری، ۱۳۷۹؛ رضایی و دیگران، ۱۳۹۸؛ فلاحی، ۱۹۹۳؛ مجاب، ۱۹۹۱).

فضای موجود در دانشگاه‌ها و انتخابات بین گروه‌های دانشجویی و فعالیت‌ها و فضای دانشگاه‌ها در دوره پیش از انقلاب فرهنگی نشان می‌داد که حاکمیت انقلابی، به دلیل خروج دانشجویان مسلمان، جایگاه خود را در دانشگاه‌ها از دست داده و دانشگاه‌ها در عمل، به محل فعالیت، ارتباط، و عضوگیری گروه‌های مخالف تبدیل شده بودند. تلاش‌های دانشجویان پیرو خط امام (ره) نیز زمینه توجه و حساسیت جدی به اتفاق‌های دانشگاه را فراهم کرده بود (حقایقی، ۱۹۹۳؛ مهران، ۱۹۹۰؛ حاضری، ۱۳۷۹). این فضا با جنگ خارجی و تحرکات و ترورهای عمومی در سطح جامعه، فشار نظام جهانی، و حمایت گسترده و بی‌وقفه توده نیز همراه شده بود.

انتقاد جدی رهبر انقلاب از فضای فکری موجود و تأکید بر تقدم تزکیه بر تعلیم (امام خمینی، ۱۳۶۰: ۳۹۴-۳۸۸) با فضای خاص آن روزهای محیط‌های دانشگاهی و خارج از دانشگاه همراه شده بود. از دیدگاه امام (ره) و طیف انقلابی طرفدار ایشان، مبارزه با استبداد و استعمار، هردو لازم بود. استفاده از اصطلاح‌های دینی‌ای مانند جهاد، مبارزه با شیطان، شهادت، تزکیه، و... یکی از ویژگی‌های حرکت انقلاب اسلامی در ایران بود.

تعطیلی دانشگاه‌ها، فرصتی برای نهادینه‌سازی جریان انقلاب فرهنگی بود و کارکرد دوگانه‌ای داشت: پاکسازی و جذب نیرو (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۸؛ به نقل از اثنی‌عشری، ۱۳۹۴). در واقع، با تعطیلی دانشگاه‌ها، بخش مهمی از آشفتگی در مقابل پاکسازی و اسلامی‌سازی کاهش می‌یافت (فلاحی، ۱۹۹۳: ۸۳).

بر اساس لایحه قانونی مصوب ۷ شهریور ۱۳۵۸ شورای انقلاب، برای پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب، کمیته پاکسازی در مؤسسه‌ها از ۵

کارمند ذی صلاح مؤسسه به انتخاب وزیر و ۲ نفر به انتخاب نخست‌وزیر تشکیل می‌شد که می‌توانستند با مراجعه به پرونده‌ها و سوابق کارکنان، ساواکی‌ها یا همکارانشان، افراد فاقد صلاحیت یا دارای شهرت فساد اخلاقی یا نادرستی، و افراد زاید را تصفیه کنند. براساس تبصره قانون یادشده، افراد بازنشسته مشمول این توصیف نیز منفصل به‌شمار آمده و حقوقشان قطع می‌شد؛ این افراد می‌توانستند سپرده بازنشستگی‌شان را دریافت کنند (مصوبات شورای انقلاب، ۱۳۵۸).

واقعیت آن روزها، عدم پذیرش هرگونه انحراف از قرائت رسمی اسلام مبارز را ضرورت می‌بخشید، و برای نهادینه شدن، راهی جز کنترل اندیشه رقیب و کسب قدرت سیاسی نمی‌دید (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸). در نظام آموزشی‌ای که تربیت‌شدگان آن دچار بیگانگی شده و دستگاه بوروکراتیک دیکتاتوری شاه را می‌پرستیدند (فلاحی، ۱۹۹۳: ۱۱۰) به‌نظر برخی پژوهشگران، پاکسازی، ابزار ضروری حفظ انقلاب و تحقق جامعه اسلامی بود (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۳). به‌همین دلیل، تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی به‌دستور امام و تعطیلی دانشگاه‌ها برای پاکسازی، ضرورت یافت (حقایقی، ۱۹۹۳؛ مهران، ۱۹۹۰؛ حاضری، ۱۳۷۹). ستاد انقلاب فرهنگی، پاکسازی اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان غرب‌گرا و کمونیست را به شیوه‌های گوناگونی مانند آزمون‌ها، بازآموزی، انفصال، و... درپیش گرفت (راکر^۱، ۱۹۹۱: ۴۵۹).

نقش اصلی شوراهای مدیریتی، پاکسازی اعضای هیئت‌علمی بود که نظارت بر کار هیئت‌علمی موجود و جذب هیئت‌علمی دارای رویکرد انقلابی را دربر می‌گرفت. نظارت بر کار هیئت‌علمی با آزمون ارزیابی دانش اسلامی همراه بود و اگر شورا به این نتیجه می‌رسید که اعضای هیئت‌علمی دارای کمبود هستند، آنان باید دوره‌های معارف اسلامی را می‌گذراندند. ناتوانی در گذراندن این دوره‌ها به‌معنای از دست دادن شغل برای برخی افراد بود که به‌طور ویژه این احتمال برای افراد مرتبط با رژیم پهلوی، بیشتر بود (راکر، ۱۹۹۱: ۴۶۰).

بنابراین، افراد تصفیه‌شده شامل طیف‌هایی بودند که به شکل‌های گوناگونی در

مقابل انقلاب، اسلام، یا مردم عمل کرده بودند. مسئولان رژیم پیش از انقلاب یا افرادی که همکاری فعالی با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم پهلوی (ساواک) داشتند، افراد مرتبط با شرق و غرب، جریان‌های چپ و راست داخلی که نمایندگان افکار سکولار یا التقاطی بودند، بخش‌هایی از افرادی بودند که مانعی در راه رشد حاکمیت اسلامی به‌شمار آمدند و به‌شکلی تصفیه شدند (فلاحی، ۱۹۹۳؛ مجاب، ۱۹۹۱؛ کوکلان، ۱۹۸۱: ۲۱۹). مجاب، برخی از معیارهای اتخاذ شده توسط شورای انقلابی پاکسازی دانشگاه تهران را این‌گونه فهرست کرده است:

- عضویت در ساواک، دریافت پول از ساواک، یا حمایت توسط ساواک؛
- داشتن سمت وزارت یا نمایندگی مجلس در رژیم قبلی؛
- اشتها به رفتار غیرانسانی، ضد‌مردمی، و برخلاف شأن دانشگاهی؛
- نماینده، سخنگو، مسئول، یا مدیر بودن در سازمان‌های فرمایشی مانند حزب ایران نوین، حزب مردم، حزب رستاخیز، و...؛
- افرادی که در نشست‌های بین‌المللی یا ملی از رژیم قبلی دفاع کرده و تلاش کرده‌اند وجهه‌ای دموکراتیک به آن بدهند؛
- دریافت مزایای مادی یا شغلی به‌دلیل ارتباط با دربار پادشاهی (مجاب، ۱۹۹۱: ۷۱-۷۰).

به‌لحاظ آمار و ارقام، حجم تصفیه تقریباً نامشخص است، لیکن در مورد تصفیه‌های دانشگاهی از تصفیه ۷۰۰ نفر از استادان در ماه‌های نخست پس از انقلاب و ۲۸۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ دانشجوی سخن‌به‌میان آمده است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳۹). البته مجاب (۱۹۹۱) از تصفیه و تبعید هزاران عضو هیئت‌علمی صحبت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که برپایه نقل‌قول از وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت، کاهش اعضای هیئت‌علمی از سال تحصیلی ۱۳۵۹-۱۳۵۸ به ۱۳۶۲-۱۳۶۱ را از ۱۶۸۷۷ نفر به ۹۰۴۲ نفر ذکر می‌کند. جدول ارائه‌شده توسط وی نشان می‌دهد که از مجموع حدود ۴۶/۵ درصد کاهش اعضای هیئت‌علمی، بین مردان حدود ۴۷/۲ درصد و در بین زنان حدود ۴۱ درصد بوده است (مجاب، ۱۹۹۱: ۱۳۱-۱۲۹). کوکلان نیز تعداد کارکنان تصفیه‌شده در اداره‌های دولتی را

حدود پنج درصد کل کارکنان می‌داند (کوکلان^۱، ۱۹۸۱: ۲۱۹).

در مورد پیامدهای انقلاب فرهنگی ایران، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. از یک دیدگاه، تساهل و تسامح امام و جریان طرفدار وی، زمینه‌ای را فراهم کرد که همچنان بخشی از نظام دانشگاهی زیر نفوذ افکار سکولار باقی بماند؛ تاجایی که پس از گذشت حدود ۴۰ سال از انقلاب فرهنگی و تصفیه‌های مرتبط با آن، همچنان دانشگاه‌ها محل جدال دو جریان هستند. لیکن به نظر برخی دیگر، تصفیه آثار بدی نیز داشته است؛ به‌عنوان نمونه، بنا به عقیده کدی و ریچارد (۲۰۰۶)، انقلاب فرهنگی، ضربه مهمی به زندگی و موفقیت فرهنگی و فکری ایرانیان وارد کرد و آموزش و زندگی حرفه‌ای جمعیت زیادی از ایرانیان را با اختلال روبه‌رو کرده و به مهاجرت‌های بعدی دانشجویان، استادان، و متخصصان دامن زد (کدی و ریچارد، ۲۰۰۶: ۲۵۰). اگرچه می‌توان بخشی از این نوع مهاجرت را به استقبال آیین اسلام از یادگیری علم مربوط دانست؛ تاجایی که حتی برخی از مسئولان پس از انقلاب، افرادی هستند که مدتی را برای ادامه تحصیل در خارج از کشور بوده‌اند. پیامد غیرقابل‌انتظار دیگری که کدی و ریچارد در مورد انقلاب فرهنگی مطرح می‌کنند، آشنایی برخی حوزویان با اندیشه‌های غربی است (کدی و ریچارد، ۲۰۰۶: ۲۹۰) که به‌ظاهر، همین پدیده نیز شکل‌های گوناگونی دارد؛ به‌عنوان نمونه، بخش مهمی از روشنفکران مذهبی پیش از انقلاب از علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری گرفته تا دکتر شریعتی و شهید بهشتی، نه تنها آشنایی مناسبی با این افکار داشته‌اند، بلکه نقد آن‌ها بر افکار یادشده در آثارشان مشهود است.

۵. مقایسه

برای مقایسه سه مورد تصفیه مورد مطالعه، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را در قالب جدول‌های شماره (۱) و (۲) خلاصه کرده‌ایم.

جدول شماره (۱). شباهت‌های تصفیه انقلابی

وجه تشابه	مورد	روسیه	چین	ایران
تنوع نمایندگی جمعی	تک‌حزبی	تک‌حزبی	تک‌حزبی	در حال گذار
منع مشروعیت	محدود	محدود	محدود	آرمان‌گرایانه
نظام ارزشی-اخلاقی	نابسامان	نابسامان	نابسامان	در حال شکل‌گیری
بحران	فحطی، عرضه نیروهای جدید، احساس ناکارآمدی نظام	شکست طرح جهش بزرگ به جلو	حاکمیت چندگانه، جنگ	
نگرانی رهبران	رقبای حزبی، انقلابی‌های کهنه‌کار، ضعف اعتماد در بدنه جامعه	تردید در وفاداری نیروهای بالای حزبی، فشارهای خارجی	بقایای رژیم گذشته، دشمن خارجی، جریان‌های رقیب انقلاب	
نظم	نوسازی	نوسازی	نوسازی	برساخت نظم حکومت انقلابی
انحراف سیاسی	- عناصر بیگانه (خارجی)، زندگی کرده در خارج، داشتن اقوام در خارج، ارتباط با خارج؛ - عدم پابندی به اهداف حزبی؛ - عدم مبارزه با دشمنان؛ - متخصصان؛ - افراد ضد اجتماع؛ - افراد منحط؛ - فرماندهان نظامی سابق؛ - کولاک‌ها؛ - زمین‌داران سابق؛ - طرفداران تزار؛ - اعضای خانواده، دوستان و افراد مرتبط با موارد بالا.	- جاده‌صاف‌کن سرمایه‌داری؛ - خیانت‌کاران؛ - دشمنان پنهان؛ - افراد فاقد وفاداری به مائو؛ - افراد غایب در مراسم فرقه کمونیستی؛ - غلط‌نویسی پرسش‌های مائو؛ - شایعه‌پراکنی؛ - تجدیدنظرطلبی؛ - افرادی که توسط اعضای ارتش سرخ یا ارگان‌های حزبی معرفی می‌شدند.	- جاده‌صاف‌کن استعمار؛ - گرایش به غرب؛ - گرایش به شرق؛ - وابستگی به گروهک‌ها؛ - اعضای ساواک؛ - سکولارها و ملحدان؛ - چهره‌های وابسته به طاغوت؛ - افراد فاقد دانش دینی مکفی؛ - دشمنان مردم.	
فضای بسته و کاهش اعتماد به نهادها	درهم شکستن نهادهای سنتی حزبی، اقتصادی، مذهبی، نظامی، و... و تأکید بر ضرورت پیروی از شعارهای حزبی	در هم شکستن نهادهای سنتی مانند خانواده، فرقه‌های مذهبی، و جایگزینی آرمان‌های حزبی	تغییر اولویت‌ها از نهادهای طاغوتی به نهاد مذهب و بازسازی باورها	
نهادسازی برای تصفیه	رخ داده است.	رخ داده است.	رخ داده است.	رخ داده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این سه رخداد، به لحاظ روند با یکدیگر شباهت‌هایی دارند. در هر سه رخداد، جامعه دچار موقعیتی بحرانی است، مرزهای اخلاقی و نظم اجتماعی دچار مشکل شده‌اند، و رهبری در صدد بازگرداندن نظم و کسب قدرت برای حفظ انسجام اجتماعی است؛ بنابراین، اشراف اطلاعاتی رهبر (البته با توجه به تفاوت دانش دینی رهبر در ایران با دانش سیاسی رهبری در روسیه و چین)، زمینه‌ای است که باعث می‌شود، رهبر، خطر تهدیدهای گوناگون را گوشزد کرده و

پیروان خود را برای مقابله با آن فراخواند. در هر سه رخداد، بخشی از قربانیان، زمانی با رهبری همراه بوده‌اند و بخش دیگر، دشمنانی هستند که با اتحاد با برخی دوستان پیشین، خطرناک‌تر شده‌اند. در هر سه رخداد از ویژگی‌های کاریزماتیک رهبری برای تسریع شکار جادوگر بهره‌برداری می‌شود (اگرچه در این مورد نیز منبع کاریزمای رهبر ایران، جایگاه دینی ایشان و منبع کاریزمای دو رهبر دیگر، کیش شخصیت آن‌هاست). هر سه رخداد، شاهد حضور همه‌جایی امر مقدس و تأکید بر وحدت سیاسی است و رخداد شکار-جادوگر، حرکتی علیه تنوع سیاسی است. در هر سه رخداد، روال طبیعی برگزاری دادگاه‌ها به دلیل ضرورت موضوع کنار گذاشته شده است. در چین و روسیه، گزارش‌های اعضای حزب، آشنایان، و... مورد استناد بوده و در ایران نیز برای تسریع در تعیین تکلیف مخالفان، از این گزارش‌ها و تشکیل دادگاه انقلاب استفاده شده است. در هر سه انقلاب، آشنایان نقش مهمی در کمک به جریان تصفیه داشته‌اند و فعالیت‌های برجسب‌زنی، انتشار برجسب‌های منفی، و دشمن‌سازی با موفقیت عمل کرده و تضعیف همراهی نهادهای واسط و حامی فرد را در مقابل مسئولان در پی داشته است.

جدول شماره (۲). تفاوت‌های تصفیه انقلابی

مورد	روسیه	چین	ایران
وجه تمایز			
فاصله مشخص با انقلاب سیاسی	حضور	حضور	غیاب
وجود نظام آموزشی موازی	غیاب	غیاب	حضور
وجود نیروی انسانی انقلابی کافی هنگام انقلاب	غیاب	غیاب	حضور
وجود ایدئولوژی دینی	غیاب	غیاب	حضور
نیاز به تجدیدحیات انقلاب	حضور	حضور	غیاب
ضرورت گسترش ایدئولوژی انقلابی	غیاب	غیاب	حضور
تردید در اشراف اطلاعات سیاسی رهبری	حضور	حضور	غیاب
تحریف اولویت‌های توده	حضور	حضور	غیاب
منحرف‌سازی از بالا به پایین	حضور	حضور	غیاب

دو رخداد تصفیه بزرگ در روسیه و چین، فاصله قابل توجهی با انقلاب اجتماعی دو کشور دارند، زیرا رهبران دو کشور، همچنان به استفاده از خدمات متخصصان مخالف نیاز داشتند و در مواردی نیز به تغییر افکار آن‌ها و همراهی با انقلاب امیدوار بودند. لیکن در مورد ایران، فاصله چندانی بین انقلاب و تصفیه مشاهده

نمی‌شود؛ ازیک‌سو به این سبب که وجود آموزش‌های حوزوی موازی با آموزش‌های دانشگاهی، بخشی از نگرانی‌ها در مورد تأمین نیرو را رفع کرده است، و ازسوی‌دیگر، برخلاف دو رهبر دیگر که خود تربیت‌شده نظام دانشگاهی بوده و نوعی گرایش به آموزش‌های دانشگاهی داشتند، در ایران این شرایط مشاهده نمی‌شود. در روسیه و چین، رهبران انقلاب برای اینکه برای خود مشروعیتی برگرفته از دین سیاسی دست‌وپا کنند، نیاز به گذشت زمان داشته‌اند، لیکن در ایران، رهبر انقلاب، دارای مشروعیت دینی بوده و طرفدارانی از نوع باورمندان دین‌دار دارد. اگرچه هر سه رخداد در پی تجدید حیات ایدئولوژی انقلابی هستند، ولی در روسیه و چین، بحث استمرار انقلاب یا انقلاب مستمر مطرح است، ولی در ایران، هدف از تصفیه، گسترش ایدئولوژی جریان پیروز انقلابی و کنار گذاشتن موانع تسلط این ایدئولوژی است. در هر سه انقلاب، رهبران، نسبت به توده، دسترسی بیشتری به اطلاعات داشته‌اند، لیکن در روسیه و چین، نوع اطلاعات، بیشتر سیاسی بوده و تهدیدها از جنس سیاسی بوده‌اند که شک در مورد اطلاعات یادشده، آن‌گونه که موی (۱۹۹۹: ۵۰۴) بیان می‌کند، احتمال بیشتری داشته است، لیکن در ایران، رابطه رهبر و طرفدارانش، رابطه مرید و مرادی بوده و به دلیل دانش دینی و مشروعیت آسمانی رهبر، زمینه این شک تقریباً ناچیز بوده است. بحث تحریف اولویت‌ها نیز در دو کشور روسیه و چین، بسیار محتمل است، لیکن در ایران، اولویت رهبر و توده، شبیه به هم بوده و تنها بر اولویت‌ها تأکید شده است. آمادگی شکار-جادوگر در روسیه و چین، با ابتکار از بالا به پایین همراه شود، ولی در مورد ایران، مشروعیت رهبری و جریان انقلابی با تصفیه مخالفان گره خورده بود.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، تبیین تصفیه از دریچه نظریه شکار جادوگر و مقایسه ویژگی‌های آن در رخدادهای تصفیه انقلابی در سه کشور روسیه، چین، و ایران بود. نگارندگان با تلفیق رویکردهای نظری و تدوین الگوی تلفیقی، این سه رخداد را با استفاده از روش توافق و اختلاف میل مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که این سه رخداد

با ویژگی‌های عینی شکار-جادوگر شباهت ندارند؛ درحالی‌که به‌لحاظ محتوایی شباهت‌های قابل‌توجهی بین آن‌ها وجود دارد.

به‌لحاظ صوری، فقدان تنوع در نمایندگی جمعی و محدودیت منابع مشروعیتی، زمینه‌ساز نابسامانی اجتماعی در این نوع جوامع بوده و رهبران در موقعیت یادشده با نوعی بحران روبه‌رو بوده‌اند (نظریه ساختی-کارکردی). زمینه بحرانی یادشده و انتقال این نگرانی به طرفداران، موقعیتی را در اختیار رهبران گذاشته است تا رقبای خود را مهم‌ترین عوامل بحران معرفی کنند (نظریه انتخاب عقلانی). ایجاد احساس نیاز به نوگشت نظم اخلاقی و تعریف معیارهای سخت‌گیرانه نظم سیاسی (نظریه برساخت) باعث شده است که فضای موجود به فضایی برای تقویت قدرت رهبران و در هم شکستن پیوندهای درون‌گروهی تبدیل شود، افراد مختلف در معرض اتهام قرار گیرند، و رهبران و نهادهای تصفیه به‌سادگی جریان تصفیه و شکار جادوگر را هدایت کنند.

لیکن این روند در سه رخداد تاریخی مربوط به روسیه، چین، و ایران، تفاوت‌های محتوایی‌ای نیز داشته است. وجود نیروی انسانی کافی، ایدئولوژی دینی، تجربه‌پردشدگی پیش از انقلاب، ایده گسترش انقلاب، اعتماد به اشراف اطلاعاتی رهبری، شباهت اولویت‌ها و همراهی توده با رهبری در ایران، وجه تمایز جدید تصفیه‌های پس از انقلاب اسلامی و نمونه‌های رخ داده در روسیه و چین بوده است که می‌تواند حکمی برای ضرورت تطبیق نظریه شکار-جادوگر با شرایط بومی هر رخداد تصفیه در راستای فهم رخداد یادشده باشد.

به پژوهشگران بعدی پیشنهاد می‌شود، برای تکمیل این مطالعه، با استفاده از روش‌های دیگری، تصفیه در انقلاب‌های دیگر را که شرایط متفاوتی داشته‌اند، بررسی کنند. افزون‌براین، مطالعه دقیق نهادهای تضمین‌کننده حاکمیت قانون، تحریف اولویت‌ها، و راهبردهای رهبران در نفوذ بین توده‌ها برای شکار جادوگران می‌تواند به تکمیل این مطالعه کمک کند.*

یادداشت‌ها

۱. در بحث اسکاچپول و سامرز (۱۹۸۰)، یکی از روش‌های تطبیقی، روش تطبیقی-تاریخی است که یکی از ویژگی‌های آن اغراق در مورد رخداد‌های تاریخی است، تا مخاطب را متقاعد کند که یک فرضیه یا نظریه معین مفید بودن خود را هنگام کاربست برای نظم دادن به شواهد- روندهای مرتبط تاریخی نشان داده است.
۲. نکته جالب در مورد این رخداد، شباهت تاریخی آن با وقایع روسیه است که مطالعه ابعاد آن فرصت دیگری را می‌طلبد.
۳. بورتون آن را دسیسه ۱۶ مه می‌نامند (بورتون، ۱۹۷۱).
۴. شامل زمین‌داران، دهقانان مرفه، ضدانقلاب‌ها، عناصر مضر، و افراد اخراج‌شده از شغل یا سازمانشان

منابع

- امام خمینی (۱۳۸۵)، *صحیفه امام (جلد ۱۴)*، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آرنت، هانا (۱۳۶۶)، *توتالیتاریسم؛ حکومت ارعاب، کشتار، خفقان*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- حاضری، علی محمد (۱۳۷۹)، «تأملی در علل و پیامدهای انقلاب فرهنگی»، *پژوهشنامه متین*، ۸ (۲۶).
- رضایی، محمد؛ حصارکی، نفیسه؛ خلیلی اردکانی، محمدعلی (۱۳۹۸)، «سه اپیزود انقلاب فرهنگی: از پیدایی تا نهادینگی»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۱ (۲).
- ریگین، چارلز (۱۳۸۸)، *روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*، ترجمه محمد فاضلی، چاپ یکم، تهران: آگه.
- کولایی، الهه (۱۳۷۲)، *اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی*، چاپ نخست، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مصوبات شورای انقلاب (۱۳۵۸)، *لایحه قانونی مربوط به پاک‌سازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی*، در دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98209>.
- نایت، امی (۱۳۷۴)، *بریا دستیار اول استالین*، ترجمه جمشید شیرازی، چاپ یکم، تهران: انتشارات فرزاد روز.
- Abercrombie, N., Hill, S., & Turner, B. S. (2015), *The dominant ideology thesis*, Routledge.
- Abramov, R. (2016), "Understanding Professionalism in the Soviet Union and Post-Soviet Russia: an Analytical Review", *The American Sociologist*, 47(1).
- Alexander, J. C. (2003), *The Meanings of Social Life: A Cultural Sociology*. Oxford University Press.
- Barry, G. (2015), "Political Religion: A User's Guide", *Contemporary European History*, 24(4).
- Ben-Yehuda, N. (1990), *The Politics and Morality of Deviance: Moral Panics*,

- Drug Abuse, Deviant Science, and Reversed Stigmatization*, SUNY Press.
- Bergesen, Albert J (1978), "A Durkheimian Theory of "Witch- Hunts" with the Chinese Cultural Revolution of 1966-1969 as an Example", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 17, No. 1.
- Brogden, M. (2001), *Geronticide: Killing the Elderly*, Jessica Kingsley Publishers.
- Bryan, M. (2020), "Mao Zedong and the Cultural Revolution", In: *Theory and Impact* (2020), Honors Theses.
- Brzezinski, Z. K. (2013), *The Permanent Purge: Politics in Soviet Totalitarianism*, Harvard University Press.
- Burleigh, M. (2009). *Sacred Causes: The Clash of Religion and Politics, from the Great War to the War on Terror*, Harper Collins.
- Burton, B. (1971), "The Cultural Revolution's Ultraleft Conspiracy: The May 16 Group", *Asian Survey*, 11(11).
- Conquest, R. (1987), *The Harvest of Sorrow: Soviet Collectivization and the Terror-Famine*, Oxford University Press, USA.
- Deng, F. (2018), "Witch-hunting, Cultural Revolution and the Bright Side of Kinship", *International Journal of Development Issues*.
- Dickson, B. (2016), *The Dictator's Dilemma: The Chinese Communist Party's Strategy for Survival*, Oxford University Press.
- Fallahi, M. (1993), *Foundations of Education in Iran and Education After the Cultural Revolution of 1980*.
- Fitzpatrick, S. (1992), *The Cultural Front: Power and Culture in Revolutionary Russia*, Cornell University Press.
- Fitzpatrick, S. (2001), *The Russian Revolution*, Oxford University Press.
- Fitzpatrick, S. (2002), *Education and Social Mobility in the Soviet Union 1921-1934*, Vol. 346, Cambridge University Press.
- Fog, A. (1999), *Cultural Selection*, Springer Science & Business Media.
- Goodin, R. E. (1981), "Civil Religion and Political Witch Hunts: Three Explanations", *Comparative Politics*, 14(1).
- Green, Y. (2018), *Depiction of Europe in an Iranian History Textbook: Resentment and Discontent*.
- Griffin, R., Mallett, R., & Tortorice, J. (2008), "The Sacred in Twentieth-Century Politics", *Essays in Honour of Professor Stanley G. Payne*, London and New York.
- Ho, C. B. (2011), "Re-conceptualizing "Legitimacy" for Studying Electoral Politics in Rural China", *Journal of Chinese Political Science*, 16(2).
- Hornby, A. S., Cowie, A. P., & Lewis, J. W. (2020), *Oxford Advanced Learner's*

- Dictionary of Current English*", London: Oxford University Press, Available at: https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/american_english/purge_1
- Hsiung, J. C. (2009), "From Revolutionary Regime to Normal Governance: China's Long March Toward Political Reform", *Asian Affairs: an American Review*, 36(1).
- Jian, G.; Song, Y.; and Yuan Zhou (2006), "Historical Dictionary of the Chinese Cultural Revolution", *Historical Dictionaries of Ancient Civilizations and Historical Eras*, No. 17, US: The Scarecrow Press.
- Karlova, O. A. (2019), "National Idea in Russia: Cultural and Historical Genesis and Factors of Actualization", *Humanities & Social Sciences*, Vol.6, No.12.
- Keddie, N. R., & Richard, Y. (2006), *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*, Yale University Press.
- Kleibl, T., & Munck, R. (2017), "Civil Society in Mozambique: NGOs, Religion, Politics and Witchcraft", *Third World Quarterly*, 38(1).
- Kuklan, H. (1981), "The Administrative System in the Islamic Republic of Iran: New Trends and Directions", *International Review of Administrative Sciences*, 47(3).
- Leese, D. (2011), *Mao Cult: Rhetoric and Ritual in China's Cultural Revolution*, Cambridge University Press.
- Levack, B. P. (2006), *The Witch-hunt in Early Modern Europe*, Routledge.
- Lukianoff, G., & Haidt, J. (2018), *The Coddling of the American Mind: How Good Intentions and Bad Ideas are Setting up a Generation for Failure*, Penguin Books.
- Mehran, G. (1989), "Socialization of Schoolchildren in the Islamic Republic of Iran", *Iranian Studies*, 22(1).
- Miguel, E. (2005), "Poverty and witch Killing", *The Review of Economic Studies*, 72(4).
- Mixon, F. G. (2000), "Homo Economicus and the Salem witch Trials", *The Journal of Economic Education*, 31(2).
- Mojab, S. (1991), "The State and University: The "Islamic Cultural Revolution" in the Institutions of Higher Education of Iran, 1980-1987", *Doctoral Dissertation*, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Mui, V. L. (1999), "Information, Civil Liberties, and the Political Economy of Witch-Hunts", *Journal of Law, Economics, and Organization*, 15(2).
- Naimark, N. M. (2011), *Stalin's Genocides*, (Vol. 8). Princeton University Press.
- Oplinger, J. (1990) *The Politics of Demonology: The European Witchcraze and*

- the Mass Production of Deviance. London: Associated University Press.
- Oster, E. (2004), "Witchcraft, Weather and Economic Growth in Renaissance Europe", *Journal of Economic Perspectives*, 18(1).
- Rucker, R. E. (1991), "Trends in Post-Revolutionary Iranian Education", *Journal of Contemporary Asia*, 21(4).
- Saich, T. (2016), "State-society Relations in the People's Republic of China post-1949", *Brill Research Perspectives in Governance and Public Policy in China*, 1(1).
- Saijo, H. (2019), *Political Connections and Purges of State Security Officials Under Stalin*.
- Schoeneman, T. J. (1975), "The witch Hunt as a Culture Change Phenomenon", *Ethos*, 3(4).
- Shatz, M. (1984), "Stalin, the Great Purge, and Russian History: A New Look at The New Class", *The Carl Beck Papers in Russian and East European Studies*, (305), 48.
- Shirk, S. L. (2016), "China Under Mao: A Revolution Derailed", Andrew G. Walder, Cambridge, MA, and London: Harvard University Press, 2015. xiv+ 440 pp. \$49.95;£ 35.00. ISBN 978-0-67405815-6. *The China Quarterly*, 227, 835-837.
- Skocpol, T., & Somers, M. (1980), "The Uses of Comparative History in Macrosocial Inquiry", *Comparative Studies in Society and History*, 22(2).
- Sobhe, K. (1982), "Education in Revolution: Is Iran Duplicating the Chinese Cultural Revolution?", *Comparative Education*, 18(3).
- Sullivan, L. R. (2011), *Historical Dictionary of the Chinese Communist Party*, Scarecrow Press.
- Swanson, G. E. (1964), *The Birth of the Gods: The Origin of Primitive Beliefs*, Vol. 93, University of Michigan Press.
- Swanson, G. E. (1967), *Religion and Regime*, University of Michigan Press.
- Tang, W. (2016), *Populist Authoritarianism: Chinese Political Culture and Regime Sustainability*, Oxford University Press.
- Teiwes, F. C. (1974), "Before and After the Cultural Revolution", *The China Quarterly*, 58.
- Turner, B. S. (2011), *Religion and Modern Society: Citizenship, Secularisation and the State*, Cambridge University Press.
- Velikanova, O. (2018), *Mass Political Culture Under Stalinism: Popular Discussion of the Soviet Constitution of 1936*, Springer.

Walder, A. G. (2015), *China under Mao: A Revolution Derailed*, Harvard University Press.

Wallace, A. F. (1956), "Revitalization Movements", *American Anthropologist*, 264-281.

Wang, S. (1996), *Between Destruction and Construction: The First Year of the Cultural Revolution*, na.

Weber, M. (1951), *The Religion of China: Confucianism and Taoism*, Translated and Edited by Hans H. Gerth. Illinois: The Free Press, Glencoe.

Wu, B., & Devine, N. (2018), "Self-Cultivation and the Legitimation of Power: Governing China Through Education", *Educational Philosophy and Theory*, 50(13).

Wu, S. (2015), "Modernizing Confucianism in China: A Repackaging of Institutionalization to Consolidate Party Leadership", *Asian Perspective*, 39(2).

_____ (2014), *The Cultural Revolution at the margins*, Harvard University Press.

https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/american_english/purge_1